اخبار

مردم نگران تأمین روغن و آرد نباشند

کالاهای اساسی در انبارها ذخیره شده‌اند



عضو هیئت‌رئیسه اتاق اصناف تهران با اشاره به ذخیره‌سازی کالاهای اساسی در انبارها و مراکز مختلف کشور گفت: مردم نباید درباره تأمین اقلام ضروری از جمله روغن و آرد نگرانی داشته باشند.

باشگاه خبرنگاران جوان؛ حمیدرضا رستگار، عضو هیئت‌رئیسه اتاق اصناف تهران، در گفت‌وگو با خبرنگار باشگاه خبرنگاران جوان درباره وضعیت بازار و نظارت بر عرضه کالاهای اساسی اظهار کرد: جنگ هنوز به پایان نرسیده و اگرچه جنگ نظامی به شکل دیگری دنبال می‌شود، اما اکنون درگیر جنگ اقتصادی هستیم و شاید در سخت‌ترین شرایط این جنگ قرار داشته باشیم.

وی افزود: با توجه به نظارت‌ها، پیگیری‌ها و هماهنگی‌های جمعی میان دستگاه‌های مختلف، بازار کشور تحت کنترل و رصد قرار دارد و در حال حاضر با کمبود جدی کالا مواجه نیستیم. آمارها و گزارش‌های موجود نیز نشان می‌دهد که روند تأمین و عرضه کالاها در حال انجام است.

رستگار با بیان اینکه مسئله اصلی بازار در شرایط فعلی افزایش قیمت کالاهاست، تصریح کرد: بخشی از افزایش قیمت‌ها ناشی از بالا رفتن هزینه مواد اولیه، دستمزدها و حمل‌ونقل است که بر قیمت تمام‌شده کالاها تأثیر می‌گذارد. البته این شرایط مختص ایران نیست و بسیاری از کشورهایی که تحت تأثیر جنگ قرار گرفته‌اند، با مشکلات مشابهی مواجه هستند.

عضو هیئت‌رئیسه اتاق اصناف تهران ادامه داد: شرایط کشور ما به دلیل تحریم‌های سخت، تا حدودی خاص‌تر و دشوارتر از برخی کشورهای دیگر است، اما در مجموع کمبود کالا نداریم. تأمین، تولید و توزیع برخی اقلام نیز متناسب با شرایط و در مقاطع مختلف سال انجام می‌شود.

وی درباره نگرانی‌های مطرح‌شده درخصوص احتمال کمبود برخی کالاها از جمله روغن و آرد گفت: مصرف و تقاضای بعضی کالاها در فصول مختلف سال افزایش پیدا می‌کند و در برخی مقاطع نیز واردات آنها با دشواری‌هایی همراه می‌شود، اما جای نگرانی درباره تأمین کالاهای اساسی وجود ندارد.

رستگار با تأکید بر اینکه مردم نباید درباره تأمین اقلام ضروری نگرانی داشته باشند، اظهار کرد: شرایط فعلی را باید شرایط جنگی در نظر گرفت، نه شرایط عادی و صلح. تهدیدهای آمریکا نیز موضوع جدیدی نیست و این کشور بارها در ماه‌ها و فصول مختلف تهدیدهایی مطرح کرده است، اما کشور برای شرایط مختلف آمادگی دارد و کالاهای اساسی در انبارها و مراکز مختلف ذخیره شده است.

هشدار درباره سوءاستفاده از تراشه کارت‌های سوخت

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی با هشدار درباره سوءاستفاده احتمالی از تراشه کارت‌های هوشمند سوخت اعلام کرد: برخی افراد سودجو با جداسازی تراشه کارت سوخت و نصب آن روی بدنه سیم‌کارت، از این طریق اقدام به سوخت‌گیری می‌کنند. شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران در اطلاعیه‌ای درباره انتشار کلیپ استفاده از بدنه سیم‌کارت برای سوخت‌گیری در جایگاه‌های عرضه سوخت اعلام کرد: بررسی موضوع نشان می‌دهد آنچه در این کلیپ مشاهده می‌شود، ارتباطی با عملکرد سیم‌کارت یا شبکه اپراتور تلفن همراه ندارد، بلکه موضوع به سوءاستفاده احتمالی از تراشه‌های کارت هوشمند سوخت مربوط است.

به گزارش ایسنا، برخی افراد سودجو با جداسازی تراشه کارت‌های هوشمند سوخت و نصب آن‌ها روی بدنه سیم‌کارت، از این تراشه‌ها برای انجام عملیات سوخت‌گیری سوءاستفاده می‌کنند. در واقع، فرایند سوخت‌گیری از طریق تراشه کارت سوخت انجام می‌شود و بدنه سیم‌کارت صرفاً به‌عنوان محملی برای نگهداری و استفاده از این تراشه به کار گرفته شده است. شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ضمن پیگیری موضوع از مراجع ذیربط از هموطنان درخواست می‌کند به‌منظور پیشگیری از هرگونه سوءاستفاده احتمالی، کارت هوشمند سوخت خود را به هیچ عنوان در اختیار افراد متفرقه قرار ندهند و شخصاً نسبت به انجام فرآیند سوخت‌گیری اقدام کنند.

زنگ خطر در اقتصاد ایران

رشد پایه پولی به ۹۰ درصد رسید

رکوردشکنی شاخص‌های پولی، در کنار تداوم گرانی و فرسایش قدرت خرید خانوارها؛ آن هم در شرایطی که بانک مرکزی بیش از هفت ماه است آمارهای تفصیلی را منتشر نکرده و منشأ خلق پول تازه همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، پرسش‌های جدی را درباره نحوه تأمین مالی دولت و هزینه بی‌انضباطی پولی برای مردم ایجاد کرده است.



به بیان ساده، قیمت‌ها با سرعتی به‌مراتب بیشتر از حجم نقدینگی رشد کرده‌اند. این فاصله عمیق را نمی‌توان نشانه آرامش یا کاهش فشار تورمی دانست

چراغ‌های هشدار در اتاق فرمان اقتصاد ایران روشن شده‌اند؛ اما کسی پاسخگوی این سیگنال‌ها نیست. بررسی آمارهای پولی شهریورماه ۱۴۰۵ نشان می‌دهد رشد نقطه‌به‌نقطه پایه پولی به ۸۹.۹ درصد و رشد نقطه‌به‌نقطه پول نیز به ۶۳.۳ درصد رسیده است؛ سطحی که دست‌کم از سال ۱۳۹۰ تاکنون سابقه نداشته است.

به گزارش اقتصاد۲۴، این ارقام تکان‌دهنده در شرایطی منتشر شده‌اند که بانک مرکزی از ابتدای سال، از انتشار گزارش‌های تفصیلی و منظم متغیرهای پولی سر باز زده و اطلاعات رسمی را منتشر نکرده است. به همین دلیل، آنچه امروز از وضعیت پولی کشور می‌دانیم، تکه‌های پازلی است که از لابه‌لای داده‌های پراکنده و محدود به دست آمده؛ پازلی که تصویر نگران‌کننده‌ای از انباشت فشار بر اقتصاد ملی را به نمایش می‌گذارد.

نبض تپنده نقدینگی و خطر پول پرقدرت

پایه پولی یا همان پول پرقدرت، از اسکناس و مسکوک در دست مردم، سپرده بانک‌ها نزد بانک مرکزی و ذخایر نقدینگی خود بانک‌ها تشکیل می‌شود. این متغیر، موتور محرک و پایه اصلی خلق نقدینگی در نظام بانکی است. به همین دلیل، جهش آن می‌تواند از مسیر ضریب فزاینده پولی به گسترش تصاعدی نقدینگی و در نهایت، به فنر فشرده‌ای برای انفجار قیمت‌ها تبدیل شود.

با این حال، مسئله فقط افزایش یک شاخص مالی نیست. رشد نزدیک به ۹۰ درصدی پایه پولی به این معناست که اقتصاد ایران با حجمی غول‌آسا از پول پرقدرت نسبت به یک سال قبل روبه‌روست؛ آن هم در بستر اقتصاد بیماری که تولید، سرمایه‌گذاری و قدرت خرید خانوارها در آن به شدت محدود شده‌اند. بر اساس پژوهشی که صندوق بین‌المللی پول درباره اقتصاد ایران انجام داده، افزایش یک‌درصدی پایه پولی می‌تواند به افزایش ۰.۵ درصدی تورم منجر شود.

دولت از کدام مسیر پول تازه تزریق می‌کند؟

نکته مهم در بررسی این جهش، ریشه‌یابی منشأ آن است. آیا بانک‌ها برای جبران ناترازی‌های جدی خود به منابع بانک مرکزی چنگ انداخته‌اند؟ آیا خرید ارز از سوی بانک مرکزی، بدون خنثی‌سازی آثار ریالی آن، پایه پولی را باد کرده است؟ یا دولت برای پوشش کسری بودجه، مستقیم و غیرمستقیم به منابع بانک مرکزی و شبکه بانکی چنگ زده است؟

افزایش نرخ ذخیره‌قانونی بانک‌ها و اضافه‌برداشت‌های ادامه‌دار آنها از منابع بانک مرکزی، یکی از مسیرهای احتمالی است. اگر بانک‌ها برای تأمین ذخایر موردنیاز خود با کمبود نقدینگی مواجه شوند، ناچارند به خط اعتباری بانک مرکزی متوسل شوند؛ وضعیتی بحرانی که به‌ویژه در ساختار فرسوده نظام بانکی با ناترازی عمیق دارایی‌ها و بدهی‌ها گره خورده است.

مسیر دوم، مکانیسم خرید ارز توسط بانک مرکزی است. هنگامی که بانک مرکزی ارز می‌خرد و در مقابل آن ریال چاپ‌شده به بازار تزریق می‌کند، در صورت انجام نشدن عملیات خنثی‌سازی، پایه پولی به‌طور طبیعی جهش می‌کند. حتی بالا رفتن نرخ ارز رسمی نیز می‌تواند ارزش ریالی دارایی‌های خارجی بانک مرکزی را بر روی کاغذ و در آمارها بالا ببرد.

اما گره اصلی این کلاف سردرگم، همچنان به بودجه و دخل‌وخرج دولت بازمی‌گردد. اگر درآمدهای پیش‌بینی‌شده در قانون بودجه محقق نشوند و هزینه‌های جاری دولت کاهش نیابند، شکاف میان منابع و مصارف ناگزیر باید از جایی پر شود. استقراض مستقیم یا غیرمستقیم از بانک مرکزی و شبکه بانکی، سناریوی آشنایی است که بلافاصله فشار پولی عظیمی تولید می‌کند.

واگرایی عجیب: چرا نقدینگی کمتر رشد کرده، اما تورم آرام نمی‌شود؟

یکی از نکات خیره‌کننده در آمار شهریورماه، شکاف معنی‌دار میان رشد نقدینگی و تورم است. رشد نقطه‌به‌نقطه نقدینگی در این ماه ۵۱.۶ درصد اعلام شده، درحالی‌که تورم نقطه‌به‌نقطه بر اساس آمارهای رسمی بانک مرکزی تا مرز ۸۳.۸ درصد پیشروی کرده است.

به بیان ساده، قیمت‌ها با سرعتی به‌مراتب بیشتر از حجم نقدینگی رشد کرده‌اند. این فاصله عمیق را نمی‌توان نشانه آرامش یا کاهش فشار تورمی دانست. در فضایی که انتظارات تورمی افسارگسیخته است، نرخ ارز نوسان می‌کند و خانوارها برای نجات دارایی‌های خود به هر بازار موازی (از طلا و مسکن تا دلار) پناه می‌برند، پول موجود در اقتصاد با سرعت گردش خیره‌کننده‌ای حرکت می‌کند و اثر قیمتی بسیار بزرگ‌تری از حجم اسمی خود برجای می‌گذارد.

نگاهی به میانه سال نیز این واقعیت تلخ را تأیید می‌کند؛ از پایان سال ۱۴۰۴ تا پایان شهریور ۱۴۰۵، رشد نقدینگی ۲۰.۷ درصد و رشد پایه پولی ۳۸.۷ درصد ثبت شده، اما تورم رسمی در همین بازه زمانی به ۳۹.۱ درصد رسیده است. این مقایسه نشان می‌دهد قطار افزایش قیمت‌ها در نیمه نخست سال حتی از سرعت رشد نقدینگی نیز سبقت گرفته است.

نکته کلیدی اینجاست که کاهش سرعت رشد نقدینگی، اگر با درمان ریشه‌ای و اصلاح منشأ خلق پول همراه نباشد، لزوماً به معنای فروکش کردن تورم نخواهد بود. رشد نقدینگی ممکن است در یک مقطع کند شود، اما تداوم رشد پایه پولی، سایه سنگین نااطمینانی و گردش وحشیانه پول در اقتصاد همچنان فشار خردکننده‌ای بر قیمت‌ها وارد می‌کند.

کوچ پول از بانک‌ها به پناهگاه دارایی‌ها

بررسی ترکیب نقدینگی نیز راز دیگری را برملا می‌کند؛ سهم «پول» (اسکناس و سپرده‌های دیداری که فورا قابل خرج کردن هستند) از کل نقدینگی در شهریورماه به ۲۶.۸ درصد رسیده است. رشد نقطه‌به‌نقطه این متغیر روی عدد ۶۳.۳ درصد ایستاده است.

نقدینگی کل کشور از دو بخش اصلی «پول» و «شبه‌پول» (سپرده‌های مدت‌دار) تشکیل شده است. افزایش چشمگیر سهم پول، علامت هشداردهنده‌ای از تمایل شدید سپرده‌گذاران به نقد کردن دارایی‌ها و فرار از نگهداری سپرده‌های بلندمدت است. در شرایطی که سایه سنگین نااطمینانی اقتصادی گسترده شده، مردم ترجیح می‌دهند دارایی‌های خود را در حساب‌هایی نگه دارند که دسترسی به آنها آنی است یا سرمایه خود را به طلا، ارز و دارایی‌های امن تبدیل کنند.

البته یک نکته را نباید از نظر دور داشت و آن این است که هجوم مردم برای خرید طلا و ارز، به‌خودی‌خود نقدینگی را از کل اقتصاد حذف یا نابود نمی‌کند؛ بلکه پول تنها از دست یک فرد به فرد دیگر دست‌به‌دست می‌شود. آنچه در این میان تغییر می‌کند، سرعت سرسام‌آور گردش پول و فروپاشی تمایل به پس‌انداز بانکی است. به همین دلیل، اگر بخشی از نقدینگی به سمت بازارهای دارایی روانه شده باشد، به این معنا نیست که فشار تورمی دود شده و به هوا رفته است؛ برعکس، تقاضای سیری‌ناپذیر برای دارایی‌های پوشش‌دهنده ریسک، نشانه سقوط اعتماد عمومی به ارزش پول ملی است. این همان نقطه بحرانی است که سیاستگذار باید با شفافیت درباره آن سخن بگوید.

هفت ماه سکوت؛ پشت پرده امتناع از انتشار آمارها

در کنار این ارقام نگران‌کننده، مسئله نگران‌کننده‌تری وجود دارد که شاید به اندازه خود رشد پایه پولی فاجعه‌آفرین باشد؛ توقف طولانی‌مدت انتشار منظم آمارهای تفصیلی پولی و بانکی.

بانک مرکزی بیش از هفت ماه است که از انتشار رسمی و به‌موقع جزئیات این آمارها امتناع کرده است. در غیاب این داده‌ها، هیچ کارشناس و تحلیل‌گری نمی‌تواند دقیقاً تشخیص دهد چه سهمی از جهش پایه پولی ناشی از سیاه‌چاله ناترازی بانک‌هاست، چه حجمی به خرید ارز گره خورده و چقدر از آن پای سفته‌بازی یا تأمین بودجه دولت نوشته می‌شود.

این خلأ اطلاعاتی، صرفاً یک نقص آماری نیست؛ بلکه چشم‌بستن بر روی واقعیت‌های بحران است. وقتی صورت‌های مالی و ترازنامه بانک مرکزی، وضعیت مطالبات از دولت و بانک‌ها، و خالص دارایی‌های خارجی پنهان می‌ماند، امکان ارزیابی سیاست‌های کلان عملاً به صفر می‌رسد.

سیاستگذار برای مهار تورم، به شعار دادن نیاز ندارد؛ او باید بداند نقدینگی جدید از کدام منفذ نشت کرده است. اگر ریشه در اضافه‌برداشت بانک‌ها دارد، درمان در اصلاح ترازنامه بانکی است. اگر از کانال خرید ارز آمده، مدیریت آثار ریالی آن واجب است؛ و اگر موتور محرک، کسری بودجه دولت است، جراحی در ساختار مالی و بودجه‌ای کشور ضرورت دارد. در غیاب شفافیت، هم پیش‌بینی آینده ناممکن می‌شود و هم جامعه در تاریکی تصمیم‌گیری‌های کور رها می‌شود.

تورم؛ مالیاتی پنهان از سفره‌های خالی

رشد پایه پولی سرانجام در یک نقطه خود را به رخ می‌کشد؛ در زندگی روزمره و سفره خالی شهروندان. تورم سنگین، قدرت خرید حقوق‌بگیران، کارگران و بازنشستگان را در یک مارپیچ نزولی ذوب می‌کند و اقشار با درآمد ثابت را در برابر موج فزاینده هزینه‌ها بی‌دفاع می‌سازد.

در شرایطی که دستمزدها با فاصله‌ای نجومی عقب‌تر از تورم حرکت می‌کنند، گرانی به معنای سقوط واقعی استاندارد زندگی است. خانواده‌ها برای تأمین مایحتاج پایه‌ای زندگی، ناچارند پس‌اندازهای اندک خود را بجوند و سهم کالاهای ضروری را از سبد مصرفی خود حذف کنند. این فاجعه برای دهک‌های پایین درآمدی با شدت بیشتری احساس می‌شود؛ چرا که سهم عمده درآمد آنها صرف هزینه‌های غیرقابل انقباض نظیر مسکن و خوراک می‌شود. در نتیجه، تورم صرفاً یک متغیر در جدول‌های کلان اقتصادی نیست؛ بلکه مستقیماً با گستردگی فقر، نابرابری و فرسایش کیفیت زندگی پیوند خورده است.

از سوی دیگر، غبار نااطمینانی، چراغ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را نیز خاموش می‌کند. وقتی هزینه‌های فردا قابل محاسبه نیست، برنامه‌ریزی اقتصادی جای خود را به روزمرگی و سوداگری‌های کوتاه‌مدت می‌دهد و ظرفیت تولید کشور روزبه‌روز فرسوده‌تر می‌شود.

وعده‌هایی که پشتوانه واقعی ندارند

آمارهای شهریورماه ۱۴۰۵ گواهی می‌دهند که اقتصاد ایران در میانه طوفانی از فشارهای پولی گرفتار شده است؛ بحرانی که با دستورالعمل‌های مقطعی و شعارهای تبلیغاتی مهار نمی‌شود. جهش ۸۹ درصدی پایه پولی و تورم بالای ۸۰ درصدی، بخش‌هایی از یک واقعیت تلخ هستند که زنجیروار به هم متصل‌اند.

کاهش مقطعی نرخ رشد نقدینگی، هرچند نقطه امیدی کوچک به نظر می‌رسد، اما تا زمانی که ریشه‌های خلق پول، ناترازی سیستم بانکی و کسری بودجه دولت با جراحی واقعی و شفافیت همراه نشوند، نمی‌توان از ثبات پایدار سخن گفت.

مسئله اصلی اقتصاد ایران این نیست که کدام شاخص رکوردشکنی کرده؛ مسئله این است که هزینه این بی‌انضباطی را چه کسی می‌پردازد. تا زمانی که سیاستگذار از مخفی‌کاری دست کشیده و منشأ خلق پول را شفاف اعلام کند و برنامه‌ای معتبر برای اصلاحات ساختاری ارائه دهد، وعده مهار تورم نیز همچنان سرابی بیش نخواهد بود که هزینه گزاف آن را مردم می‌پردازند.

هشدار درباره یخ‌زدگی کنتورهای آب در روزهای سرد



همزمان با کاهش دما در بیشتر استان‌های کشور، رعایت چند نکته ساده برای محافظت از کنتورهای آب ضروری است چراکه یخ‌زدگی این تأسیسات می‌تواند به شکستگی کنتور و قطع جریان آب منجر شود.

به گزارش ایسنا، با کاهش دما در بیشتر استان‌های کشور همزمان با آغاز فصل سرما احتمال یخ‌زدگی کنتورهای آب در مناطق سردسیر افزایش می‌یابد موضوعی که در صورت عدم توجه به اقدامات پیشگیرانه می‌تواند به شکستگی کنتور، قطع جریان آب و تحمیل خسارت به مشترکان منجر شود. در همین راستا به شهروندان توصیه می‌شود با آغاز فصل سرما اقدامات لازم را برای جلوگیری از یخ‌زدگی کنتور و تأسیسات آبرسانی انجام دهند چراکه یخ‌زدگی این تأسیسات علاوه بر آسیب به کنتور می‌تواند موجب اختلال در تأمین آب مشترکان شود.

برای پیشگیری از این اتفاق لازم است پیش از کاهش شدید دما داخل حوضچه کنتور با پوشش‌های مناسبی مانند پشم‌شیشه گونی کنفی یا پوشال عایق‌بندی شود. همچنین عایق‌کردن لوله‌های سطحی و اطمینان از بسته‌بودن کامل درب محفظه کنتور می‌تواند از یخ‌زدگی انشعاب و کنتور جلوگیری کند.

در صورت یخ‌زدگی کنتور شهروندان باید از به‌کارگیری آب جوش یا شعله مستقیم آتش برای بازکردن آن خودداری کنند چراکه شوک حرارتی ناشی از این اقدام می‌تواند به ترکیدگی کنتور منجر شود. در چنین شرایطی کافی است مشترکان با شماره ۱۲۲ تماس بگیرند تا راهنمایی‌های لازم ارائه شود یا امدادگران شرکت آب و فاضلاب برای رفع مشکل در محل حاضر شوند.

خبر

توسط شرکت بهره برداری نفت و گاز مسجدسلیمان:

آغاز عملیات تعمیر و بازسازی پل مسیر دسترسی به چاه‌های ۱۰ و ۱۴ قلعه نار



اهواز - سید رسول محمدی

این پروژه با نظارت مدیریت مهندسی و ساختمان شرکت و اعتباری بالغ بر ۷۸ میلیارد ریال و مدت زمان اجرای چهار ماه به مرحله اجرا در آمده و با هدف بهسازی و بازسازی زیرساخت‌های مسیر دسترسی به چاه‌های مذکور در دستور کار قرار گرفته است.

عملیات اجرایی پروژه تعمیر و بازسازی پل واقع در جاده دسترسی به چاه‌های شماره ۱۰ و ۱۴ واحد بهره برداری قلعه‌نار آغاز شد.

این پروژه با نظارت مدیریت مهندسی و ساختمان شرکت و اعتباری بالغ بر ۷۸ میلیارد ریال و مدت زمان اجرای چهار ماه به مرحله اجرا در آمده و با هدف بهسازی و بازسازی زیرساخت‌های مسیر دسترسی به چاه‌های مذکور در دستور کار قرار گرفته است.

اجرای این پروژه با توجه به ضرورت تسهیل تردد و دسترسی ایمن و آسان خودروهای عملیاتی شرکت به چاه‌های ۱۰ و ۱۴ قلعه‌نار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نقش مؤثری در پشتیبانی از فعالیت‌های عملیاتی، تسهیل تردد ناوگان خودرویی و بهبود شرایط دسترسی به تأسیسات و چاه‌های نفتی منطقه خواهد داشت.

از سوی دیگر، این پروژه علاوه بر اهداف عملیاتی، از جنبه عام‌المنفعه نیز برخوردار است و با بازسازی پل مذکور، زمینه تسهیل تردد و دسترسی آسان‌تر اهالی روستای دهاشکنان و عشایر منطقه به مسیرهای ارتباطی فراهم خواهد شد که این امر می‌تواند نقش مؤثری در بهبود شرایط رفت‌وآمد و ارتقای رفاه ساکنان این منطقه ایفا کند.

بازسازی این پل همچنین در راستای ارتقای وضعیت زیرساخت‌های فنی و پشتیبانی و فراهم‌سازی شرایط مناسب‌تر برای تداوم فعالیت‌های عملیاتی شرکت و خدمت‌رسانی به جوامع محلی انجام می‌شود.

همیاران گاز در کلاس درس؛ فرهنگ ایمنی و مصرف بهینه از مدرسه تا خانه



در راستای ترویج فرهنگ مصرف بهینه انرژی و ارتقای سطح آگاهی دانش‌آموزان نسبت به اصول ایمنی در استفاده از گاز طبیعی، برنامه آموزشی طرح ملی «همیار گاز» در مدارس شهرستان قائم‌شهر برگزار شد.

در این برنامه آموزشی، کارشناسان با حضور در مدارس و ارائه آموزش‌های کاربردی، دانش‌آموزان را با راهکارهای مدیریت مصرف گاز طبیعی، ضرورت صرفه‌جویی در فصل سرد سال و نکات ایمنی مرتبط با استفاده از وسایل گازسوز آشنا کردند.

آموزش نحوه تشخیص نشتی گاز، اهمیت بررسی اتصالات و دودکش‌ها، اطمینان از تهویه مناسب محیط و رعایت اصول صحیح استفاده از وسایل گرمایشی از جمله محورهای این برنامه بود.

در این طرح، دانش‌آموزان به‌عنوان سفیران انرژی، نقش مؤثری در انتقال آموخته‌های خود به خانواده‌ها و ترویج رفتارهای صحیح مصرف انرژی در جامعه ایفا می‌کنند.

اجرای طرح ملی «همیار گاز» گامی مؤثر در نهادینه‌سازی فرهنگ مصرف بهینه، پیشگیری از حوادث ناشی از گاز طبیعی و کمک به حفظ پایداری جریان گاز در فصل سرد سال به شمار می‌رود.

چالش تازه صادرکنندگان

صادرات می‌کنند، اما اجازه واردات ندارند!

با وجود تاکید سیاست‌گذاران بر استفاده از ارز حاصل از صادرات برای تامین نیازهای وارداتی، برخی فعالان اقتصادی از محدودیت سهمیه واردات، مشکلات ثبت سفارش و طولانی شدن فرآیند رفع تعهد ارزی گلایه دارند؛ مشکلاتی که به گفته آنها، در مواردی به توقف کالا در گمرک، بلاتکلیفی سرمایه و حتی تهدید ادامه فعالیت واحدهای تولیدی منجر شده است.

به گزارش ایسنا، یکی از موضوعات مهم در تجارت خارجی کشور، چگونگی استفاده صادرکنندگان از ارز حاصل از صادرات برای واردات کالا و تامین نیازهای تولیدی است؛ موضوعی که در صورت تسهیل آن می‌تواند به تداوم فعالیت بنگاه‌های اقتصادی، تامین مواد اولیه و کاهش وابستگی به ارز دولتی کمک کند. با این حال، برخی فعالان اقتصادی معتقدند محدودیت‌های موجود در فرآیند ثبت سفارش و تخصیص سهمیه واردات، عملا استفاده از ارز حاصل از صادرات را نیز با دشواری مواجه کرده است. بررسی مشکلات مطرح‌شده از سوی یکی از فعالان حوزه صادرات و واردات نشان می‌دهد که حتی انجام صادرات و تامین ارز مورد نیاز از محل منابع شخصی نیز لزوما به معنای امکان واردات نیست؛ چراکه محدودیت‌های مربوط به کارت بازرگانی، سهمیه وارداتی و فرآیندهای اداری می‌تواند مسیر تجارت را با وقفه‌های طولانی مواجه کند. این فعال اقتصادی که در حوزه صادرات خشکبار فعالیت دارد، از صادرات حدود پنج میلیون دلار کالا شامل بادام‌زمینی، کشمش و خرما به کشورهای همسایه خبر داده و می‌گوید: با وجود انجام صادرات، حدود شش ماه تا نزدیک یک سال است که درگیر فرآیند رفع تعهد ارزی و مسائل مربوط به واردات شده است. بخشی از کالاهای متعلق به این مجموعه در گمرک جلفا متوقف مانده و پس از پیگیری مراحل قانونی، به دلیل کارت‌اولی بودن کارت بازرگانی، سهمیه واردات به این کارت تعلق نگرفته؛ موضوعی که امکان ثبت سفارش و ادامه فرآیند واردات را با مشکل مواجه کرده است.

صادرات انجام شده، اما سهمیه واردات وجود ندارد

یکی از چالش‌های مطرح‌شده از سوی این فعال اقتصادی، نبود تناسب میان میزان صادرات انجام‌شده و امکان استفاده از ارز حاصل از آن برای واردات است. وی تاکید دارد که درخواستش دریافت ارز دولتی نیست، بلکه می‌خواهد بتواند از منابع ارزی حاصل از صادرات خود برای تامین کالاهای مورد نیاز استفاده کند. با وجود آنکه انتظار می‌رود صادرکننده متناسب با میزان صادرات خود بتواند نسبت به واردات اقدام کند، نبود سهمیه واردات عملا امکان ثبت سفارش را محدود کرده است.

این فعال اقتصادی همچنین از پیگیری موضوع در بخش‌های مختلف وزارت صنعت، معدن و تجارت خبر داده و گفته است که در ماه‌های گذشته بارها برای حل مشکل مراجعه و مکاتبه کرده، اما موضوع میان بخش‌های مختلف ارجاع شده و همچنان پاسخ روشنی درباره علت نبود سهمیه و مسیر قانونی حل مشکل دریافت نکرده است.

ابطال درخواست‌های وارداتی و بلاتکلیفی منابع

موضوع دیگری که این صادرکننده مطرح کرده، ابطال درخواست‌های وارداتی مربوط به موز و انبه است. حدود پنج میلیون دلار از درخواست‌های وارداتی از سوی دولت ابطال شده، در حالی که این درخواست‌ها از سوی او لغو نشده بود.پس از این اتفاق، اعلام شده که باید در صف بازگشت مبالغ قرار بگیرد؛ مسئله‌ای که به اعتقاد او، علاوه بر ایجاد بلاتکلیفی مالی، برنامه‌ریزی برای ادامه فعالیت تجاری را نیز دشوار کرده بنابراین خواستار شفاف شدن سازوکار ابطال درخواست‌های وارداتی و تعیین تکلیف منابعی هستیم که در نتیجه این تصمیم بلاتکلیف مانده‌اند.

محدودیت واردات تا خط تولید هم رسید

مشکلات مطرح‌شده تنها به تجارت خارجی و ترخیص کالا محدود نمی‌شود و تامین برخی مواد مورد نیاز خط تولید را نیز تحت تاثیر قرار داده است.

وی با اشاره به نیاز واحد تولیدی خود به موادی از جمله اکسیژن و اسید نیتریک اظهار کرده که به دلیل نبود سهمیه واردات، امکان تامین این اقلام فراهم نشده و ادامه فعالیت خط تولید با خطر توقف مواجه است. در شرایطی که از یک سو دستگاه‌های مختلف بر ادامه فعالیت واحدهای تولیدی و انعقاد قرارداد تاکید می‌کنند، از سوی دیگر محدودیت‌های موجود در فرآیند تجارت خارجی امکان تامین نیازهای واحدها را دشوار کرده است. حتی زمانی که فعال اقتصادی آمادگی دارد هزینه واردات را از محل ارز حاصل از صادرات خود تامین کند، محدودیت‌های سامانه‌ای و نبود سهمیه می‌تواند مانع انجام این فرآیند شود.

بلاتکلیفی کشنده‌ها در ترکیه

یکی دیگر از مشکلات مطرح‌شده، بلاتکلیفی تعدادی از کشنده‌های متعلق به این مجموعه در ترکیه است. این صادرکننده مدعی است چند دستگاه کشنده حدود شش ماه در این کشور متوقف مانده‌اند و در این مدت برخی از آنها توسط افراد محلی توقیف شده یا از دسترس خارج شده‌اند. ادامه این وضعیت علاوه بر تحمیل هزینه‌های مضاعف، سرمایه مجموعه را نیز با خطر بلاتکلیفی و از دست رفتن مواجه کرده است.

ضرورت شفاف‌سازی درباره سهمیه واردات و رفع تعهد ارزی

مجموع مشکلات مطرح‌شده از سوی این فعال اقتصادی، بار دیگر مسئله هماهنگی میان سیاست‌های ارزی، مقررات وارداتی و نیازهای واقعی فعالان تجاری را مطرح می‌کند؛ اینکه آیا صادرکننده‌ای که ارز حاصل از فعالیت صادراتی خود را در اختیار دارد، می‌تواند بدون قرار گرفتن در صف تخصیص ارز دولتی، نیازهای وارداتی خود را تامین کند و اگر پاسخ مثبت است، چه محدودیت‌هایی در این مسیر وجود دارد؟

در این میان، موضوع اختصاص سهمیه واردات به کارت‌های بازرگانی جدید، نحوه استفاده از ارز حاصل از صادرات، دلایل ابطال درخواست‌های وارداتی و زمان‌بندی فرآیندهای اداری از جمله مسائلی است که نیازمند شفاف‌سازی دستگاه‌های مسئول است. از سوی دیگر، اتاق بازرگانی به‌عنوان نماینده بخش خصوصی می‌تواند با بررسی این موارد و پیگیری مشکلات مطرح‌شده، زمینه مشخص شدن موانع اجرایی و ارائه راهکار برای تسهیل تجارت را فراهم کند. آنچه فعالان اقتصادی در این زمینه مطالبه می‌کنند، دریافت امتیاز ویژه یا استفاده از منابع ارزی دولتی نیست، بلکه فراهم شدن امکان استفاده از منابع حاصل از فعالیت خود و برخورداری از یک مسیر شفاف، قابل پیش‌بینی و متناسب با میزان صادرات و نیازهای وارداتی است؛ مسیری که در صورت اختلال، نه‌تنها تجارت خارجی، بلکه تأمین مواد اولیه، سرمایه در گردش و ادامه فعالیت واحدهای تولیدی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

با این حال، برای روشن شدن ابعاد موضوع، پاسخ وزارت صنعت، معدن و تجارت و گمرک درباره علت اختصاص نیافتن سهمیه واردات، وضعیت کالاهای متوقف‌شده در گمرک جلفا و امکان استفاده از ارز حاصل از صادرات برای واردات ضروری است.